

## جمع بندی تبادلات فراخوان ماه می

### رفقا ، انسانهای آگاه

علل به مرحله عمل درنیامدن فراخوان ماه می، جهت ارزیابی منشور مطالبات حداقلی کارگران در خارج از کشور را علیرغم آماده بودن تدارکات جهت انجام آن و زمینه های ذهنی مثبت انجام آن در چه موضوع ویا موضوعاتی میتوان خلاصه و جمع بندی نمود؟

به جرئت میتوان ناپختگی و... و کم ثباتی سازمانها و جریانها فعال کارگری در خارج از کشور، در رابطه با کار در میان کارگران را یکی از علل اصلی بروز چنین وضعی و تداوم آن دانست و از سوی دیگر ناکافی بودن جمع بندیهای مشخص این نیروها در برخورد طبقاتی به جنبش کارگری به هنگامی که خود طبقه بفعالیتهای میپردازد و بر وضعیت فعلی دامن زده است را مشخص نمود.

طرح و تصمیم جنبش چپ به طور کلی در مورد فعالیت سیاسی... طبقه کارگر، جدا از سازمانهای سیاسی منتصف به آن و بلعکس فعالیت سیاسی... سازمانهای منتصف به طبقه کارگر، جدای از خود طبقه، مسئله ائی است که در جنبش کمونیستی ایران هنوز حل نشده است.

این نیروها آنجا که مسئله جنبش عموم خلقی مورد سئوال قرار میگیرد به گسترده گی قابل رویتی به سازماندهی و... میپردازند و آنجا که مسئله جنبش کارگری و طبقه کارگر مطرح میشود، عقیم میمانند. چرا؟ این نیروها به مثابه رهبران و پیشاهنگان و... سازماندهندگان جنبشها به جنبش کارگری نیز از بالا نظر میاندازند و در تمام مراحل از ساده ترین واکنش های صنفی تا تشکیل احزاب کارگری خود را ذیحق میدانند که به اشکال مختلف در آن دخل و تصرف کنند و در مقابل مقاومت فعالین آگاه کارگری، حداقل به سکوت یا... و یا به نفی آنان میپردازند. از همین رو غالباً نظایر اینگونه حرکات با حواشی زیادی روبرو میگردد و تاثیر منفی در مناسبات مشترکشان میگذارد.

" فقط خود کارگران با انجام این وظیفه - به موقع پس از کار سخت و کوشش مبرم، قادر خواهند بود که کمک در جهت درک بهتر خود نمایند و بدین ترتیب موفقیتهای بزرگتری را برای این جنبش تضمین نمایند." ( اعتصابات کارگران استخراج و ذوب فلزات در 1912 - مجموعه آثار جلد 19 : لینن )

طبقه کارگر ایران به اثبات رسانیده است که جدای از سازمانها و محافل سیاسی منتصف به خود نیز، توانائی عمل سیاسی و... را دارا میباشد و دایره فعالیت اجتماعی او تنها محدود به تشکیل سندیکا، اتحادیه، شورا و... صنفی نیست. خود این مسئله به تنهایی اثبات مینماید که تشکیل حزب واقعی طبقه کارگر ایران از درون خود همین طبقه مسر است.

در عین حال خود طبقه به لزوم الحاق سازمانهای سیاسی منتصف به خود در جهت حل معضلات درونیش آگاهی یافته است. ( اعلام استقبال و حمایت از برگزاری فراخوان از سوی بخشی از کارگران داخل و... ). طرح این مسئله و برخورد به آن از اهمیت خود مسئله ناشی میگردد.

آیا طرح الحاق محافل و سازمانها و... منتصف به طبقه کارگر به خود طبقه از هر کانالی که عبور نماید یک ضرورت نیست؟

آیا به تجربه کشاندن تبادلات آگاهانه نیروها و فعالین کارگری، یکی از این نمونه ها نمی توانست باشد؟ فراخوان به این پروسه تجانس بارها و بارها در بیانیه های متعدد مجامع کارگران در داخل و خارج طرح و اعلام گشته است. با عطف به مسائل بالا، به زعم گروه تدارکات فراخوان، طرح و حل مسئله ضرورت داشته و دارد و گروه در جهت طرح و حل مسئله کوشش خود را مبذول خواهد نمود.

### رفقا ، انسانهای آگاه

کرسی های استادی بسیاری اما معلمین شریف و دانا نادرند. از آموزگاران شریف و دانای خود آموختیم که در همه حالات حرف با عمل باید هماهنگ باشد و در هیچ شرایط و موقعیتی هدف و حتی مقدس ترین اهداف انسانی نباید بکارگیری هر وسیله را توجیه نماید.

با کوله بار تجاربمان و با اصراری که بر مواضع امروزمان می ورزیم و آنرا تکامل گذشته می پنداریم ، میباید علیرغم گروه بندیها و ... و تمایلات سیاسی مختلفمان که عمدتا ناشی از پراکندگی و ضعف آگاهی است ، حداقل به نتایج مشترکی هم رسیده باشیم . یکی از این اشتراکات میتواند این باشد که رفقای عمدتا جان باخته مان در طی دو دهه 50 و 60 با جدیت مسئولانه خود مباحث نظریشان را در اقدام آگاهانه شان ، در روند تحولات اجتماعی جامعه ایران نوشتند و به یادگار تاریخ سپردند و امروز به هر شکلی به این فرهنگ استناد میکنیم:

**آموزش و اقدام!**

به نظر ما روند پروسه سرکوب تحولات آگاهی در جامعه نشان دهنده رشد و تکامل مبارزه پنهان و آشکارو تاثیر آن در تکامل مبارزه طبقاتی در درون جامعه ایران است و تائید کننده این است که جامعه آگاه ایران آبستن تغییر است و رفرم و اصلاحات از بالا را در درون مناسبات خود نفی میکند.

ارزیابی و برنامه ریزی برای شرکت آگاهانه در تکامل این پدیده تاریخی وظیفه تک تک عناصر و مجامع آگاه طبقاتی است. وظیفه من و تو و... ما است!

ما که هستیم و در کجای این تحولات به تلاش ایستاده ایم؟

آیا همه مدعیان .... و دفاع از جنبش کارگری خواهان شرکت در این تکامل تاریخی هستند؟

بعد از قیام بهمن ماه سال 57 و سه دهه جنگ فرسایشی مرگ آور طبقاتی ، انتشار علنی منشور مطالبات حداقلی کارگران و پیآمد آن قطعنامه اول ماه می ، به روشنی نشان میدهد که صف بندی طبقاتی در ایران ، مستقل از اختلافات درون اردوی فاشیسم و متاثر از تاریخ تحولات 31 ساله جامعه، با طرح مطالبات خود ، مرحله دیگری از مبارزه را در پیش روی خود دارد .

- مرحله ائی که کارگران ، بیکاران ، معلمان ، زنان ، دانشجویان و سایر تغییرطلبان بر بستر سازماندهی اجرائی مطالبات خود میتوانند دورانی را آغاز نمایند که در سرعت تاثیر پذیری نیروهای شرکت کننده در مبارزه جاری از هم و در رویارویی مرعی و نامرعی شان با هم ، "ضرورت انقلاب اجتماعی" در تغییر مناسبات حاکم را آگاهانه و یا جبرا در مییابند و ضرورتا به اقدامی متشکل برای تعیین سرنوشت خود دست می اندازند.

- مرحله ائی که نیروهای شرکت کننده در مبارزه طبقاتی (چپ و... و راست ) با موضع گیری خود در ارتقاء و پیشبرد برنامه مطالبات منشور حداقلی و قطعنامه اول ماه مه و یا با ممانعت از رشد و تکامل آن با هر وسیله و هدف ، جایگاه واقعی خود در رویارویی جنگ طبقاتی رانعیین میکنند . این مرحله را میتوان مرحله تشخیص دوستان از دشمنان ناآگاه و آگاه مردم نامید!

- مرحله ائی که متاثر از آگاهی عمومی و با شرکت سازنده و آگاهانه میلیونها انسان کار و نهادهای متشکلشان در آن و ارتجاع و فاشیسم با زندان، سرکوب و سرنیزه و ... شمشیر و قلم درمقابل آن\_ و در هر شکل احتمالی دیگر و از جمله بکار گیری جنگ ؛ این نعمت الهی در حفظ و انسجام قدرت \_ ، تصادمات قطعی آینده موجداتی را فراهم خواهد کرد که جامعه با طبقاتش با اندیشه و اقدام، فرصت تاریخی دیگری برای تغییر در مناسبات حاکم بر خود را تدارک دیده و کسب خواهند کرد.

سئوال این است که : ما بعنوان بخشی از کارگران و فعالین کارگری ، عناصر آگاه و روشنفکر انقلابی منفرد و متشکل در سازمانها و مجامع کارگری و سیاسی کمونیستی ، سوسیالیستی ، ... پس از سالها تجربه و تلاش در کدام صف ایستاده ایم؟

با ارزیابی موقعیت و شرایط حاکم و همچنین مناسبات این عناصر و نیروها با هم و در ارتباط با جنبش کارگری و سازمانهای متشکلش ، میتوان دریافت که در مناسبات درونی این نیروها حرف با عملشان برابر نیست و مادامیکه اینگونه است جزء حرافی در آرامسایشگاههای امن امپریالیستی، پشت میز نشینی و مقاله نویسی و سیاه مشق های گذشته را تکرار کردن... ، جزء همگامی آگاهانه یا ناآگاهانه با مناسبات جهانی سرمایه و تداوم حاکمیت فاشیستی نیست.

بعنوان گروه کار تدارکات فراخوان ماه می ، امیدوار بودیم که مسیر مباحث به طرفی پیش رود که در گامهای آگاهانه مشترک ، حداقل منجر به تکوین یک "روش روشن کار در دفاع از جنبش کارگری" در خارج از کشور تبدیل شود و این به عناصر آگاهی نیاز داشت و دارد که با شناختی عمیق و هنرمندانه به مباحث دامن بزنند تا بدور از مناسبات فاسد ملوک الطوایفی ، رهبری و پیشاهنگی ، رقابتی و حذفی به ارث رسیده شده از چپ خود فریفته، این روش در تبادلات و کار مشترک جمعی انکشاف گردد.

فراخوان ماه مه و یا بقول رفیقی؛ این پروژه، پروژه یک فرد یا یک گروه و محفل کوچک یا بزرگ نمی توانست باشد. عملا چه بسا با چنین تصور ساده لوحانه ائی و عدم دخالتگری در آن ، بقول رفقا این پروژه به شکست کشیده شد.

جنبش کارگری نمی تواند تنها منحصر به چند اتحادیه ، شورا ، کمیته کارگری و... سوسیالیستی باقی بماند . تاریخ این جنبش نشان میدهد :آنجا که انحصار پیش میآید ، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید مفهوم میابد و به انحطاط میرود.

همانطوریکه روند تکامل این جنبش در ایران نشان میدهد، ضرورتا نهادهای کارگری دیگری را \_ که خود تشخیص میدهند خود را چه بنامند\_ ، در کنار خود خواهند داشت و با گسترش بهم پیوسته این نهادها، این جنبش مرحله ائی دیگر از تکامل خود را پی خواهد گرفت.

مبارزه درون این جنبش رقابتی و حذفی نیست . اقناعی ، آگاهانه و رفیقانه است. مبارزه در درون این جنبش بر بستر نیازهای حیاتی شان شکل میگیرد و برای کسب آن حتی غریزی نیز درمیابند که برای رهائی از مناسبات غالب، راهی جزء اتحاد و همبستگی طبقاتی نیست .

دهها پدیده دیگر از خصوصیات این جنبش را رفقا قطعاً میدانند که ما نمی دانیم والبته نباید خیلی هم مهم باشد؟ مهم این است که "ما" میدانیم و اگر ندانستن و آموختن عیب تلقی نشود !میتوانیم از هم میآموزیم ! در مورد ایران ،حداقل پس از سه دهه تجربه و تلاش، تأیید خواهید کرد که سازماندهی جنبش کارگری برای کسب حقوق اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی خود به عبارت دیگری ، " تدارک انقلاب اجتماعی " ، از حوزه توان و آگاهی و اختیار یک حزب ، یک سندیکا ، یک محفل ، ... خارج است و مدعیان آن ، جز به بحماقت کشاندن خودو به تأثیر از آن، شرکت در تحمیق همراهان و ... کاری پیش نخواهند برد. سازماندهی این جنبش بکار متحدانه و برنامه ریزی شده تک تک اعضاء و ... مجامع مستقل و عبارت دیگری به یک جبهه واحد کارگری نیازمند است.

سوسیالیسم از مناسبات گذشته شکل نمی گیرد و همانگونه که مشاهده میفرمائید هر آنچه که منفرد و متشکل و مستقل و یا با اتحاد های نمایشی مقطعی و در انشفاق و پراکنده گی میتوانستیم بکنیم ، کرده ایم و نتیجه اش را هم رودر رو داریم.

## رفقا ، انسانهای آگاه

در تعجب و تاسف از روندی که عناصر ومجامع کارگری و سازمانهای ... و ما هم بعنوان جزئی از آنها میگذرانیم ، ساده انگاری احمقانه ائی است که آنرا سرانگشتی بی اعتنائی سیاسی، عدم آگاهی فعالین از شرایط و موقعیت حاکم ، عدم شناخت از هم، عدم ارتباط و هماهنگی با نهادهاومجامع کارگری و سازمانهای سیاسی

داخل و خارج ، اشرافیت اندیشه ، بایکوت ، رقابت ، بی توجهی ناشی از مشکلات روزمره و شخصی و... خواننده و قلمداد کرده و بگذریم .

باید به صراحت گفته باشیم و بگوئیم که برآیند عملکرد مجموعه این نیروها را در راستای "تدارک انقلاب اجتماعی در ایران" نمی بینیم و یا شناخت محدودی از عملکرد آشکار و پنهانی این مجموعه ها داریم که میبایستی با کار مشترک ، بدست آوریم !

واقعیت این است که شناختی در حد اعلام نظر نسبی در مورد سازمانهای سیاسی داشتیم و داریم و اما شناخت آگاهانه ائی از فعالین کارگری و محافل شان نداشتیم و کماکان اندک داریم و آنچه که داشته ایم و داریم برای صراحت دادن به نظراتمان کافی نبوده و نیست .

بعد از شکست های اجتناب ناپذیر " اتحاد عمل ها" ؛ چپ کارگری ، کمونیستی ، کمونیستی و چپ ، ... ، پیدایش کمیته های دفاعی ، تدارکاتی ، ... سوسیالیستی کارگری در خارج از کشور ، نقش و تاثیر تحولات مبارزه درونی را در نیروهای خارج از کشور نشان میداد.

با دستگیری فعالین کارگری در روزجهانی کارگر سال 85 ، در سفز و تهران و تبریز ... نشانه هائی از اعلام موجودیت و فعالیت آنان در پشتیبانی از جنبش کارگری را در خاطره و ذهن داشتیم که مربوط به اوایل دستگیری محمود صالحی و... و منصور اسالو بود. تصور میکردیم که عمده این نیروها که از سازمانها و... جدا شده اند با آگاهی از روند مناسبات تحمیق کننده گذشته نه چندان دور، ظرفیت های جدیدی را به صحنه عمل کشانده اند که قابلیت های آموزش پذیری و سازمانیابی را در مناسباتشان فراهم آورده است.

در همین دوره دهها کمیته دفاعی و تدارکاتی و سوسیالیستی و... خود را به نمایش گذاشتند . اعتصاب غذا ی چند تن از فعالین کارگری در هلند و در دفاع از زندانیان سیاسی کارگری ، توجه ما را به این محافل جلب نمود. در جستجوی ارتباطی آگاهانه با این محافل ، این محافل از حرکت آگاهانه ائی که آغاز کرده بودند به دلائلی بازماندند و تلاش ما اگر نه بی نتیجه اما بی پاسخ ماند.

## عوامل بازدارنده آن چه بود؟

با ضعف شناخت از دلائل آن و با حساسیت نسبت به نیاز و ضرورت یک اتحاد عمل آگاهانه اینگونه محافل ، فکر میکردیم با تحولاتی که در درون ایران میگردد دلیلی غیر از ارزیابی با دقت موضوع مورد اجتماعشان ، وجود ندارد. اما سکوتی که حاکم شده بود تعجب آور بود!

چه اتفاقی افتاده بود ؟

محافل و کمیته های دفاعی کارگری چه شدند؟

چرا برنامه مشترک و روشنی در سازماندهی و سازمانیابی این مجامع ، حداقل حول دفاع از زندانیان سیاسی تنظیم نمی شود ؟

چرا روش روشنی برای شرکت دخالتگرانه مشترک تنظیم نمی کنند؟

چرا این مجامع برای تبادلات مستمر خود یک سقف مشترک سیاسی - فرهنگی تدارک نمی بینند؟

23 بهمن ماه 88 برابر با 12.02.2010 با مشاهده اطلاعاتی منشور حداقلی کارگران ایران بمناسبت انقلاب بهمن ماه 57 با ارزیابی و بحث و گفتگو پیرامون آن ، تصور ما این بود که حداقل از این تاریخ تلاش دگرگونه ائی در حیات محافل کارگری و مجامع و سازمانهای سیاسی مدعی پدید خواهد آمد.

چند روزی انتظار کشیدیم تا شاید سازمانها ، مجامع و محافل و رفقائی که در تدارک برنامه ائی به همین منظور هستند ، اثری را به خارج منعکس کنند. خبری نبود.

بر بستر ضرورتی که این جمع تشخیص داده بود فراخوانی تنظیم شد و به اطلاع عموم رفقا رسانده شد. متن کوتاه شده آن:

## رفقا، انسان‌های آگاه

پس از 31 سال حاکمیت نظام اسلامی در ایران منشور مطالبات حداقلی بخشی از مجامع و تشکل‌های مسفل کارگری را در مقابل خود داریم. بدون تردید این منشور مورد بحث و مجادله نیروهای تأیید کننده آن قرار گرفته است و این نیروها با شناخت از مناسبات خود با نظام حاکم و توانائی و آگاهی جمعی به تدوین و انتشار آن اقدام نموده‌اند. اینک این سؤالات در مقابل ما فعالین خارج از کشور قرار دارد:

- 1- به‌عنوان عناصری که خود را منفرداً یا به‌طور متشکل منتسب به طبقه کارگر می‌دانیم، آیا این منشور و مطالبات آن را به‌عنوان مطالبات حداقلی خود نیز قلمداد می‌کنیم؟
  - 2- روند پیش‌برد این مطالبات تا حصول نتیجه‌ی نهائی چگونه می‌تواند باشد؟
  - 3- آیا نظام حاکم توان پاسخ‌گوئی عملی به این مطالبات را دارد؟
  - 4- نقش اصلی و تعیین‌کننده در مبارزات داخلی با کدام نیروست؟
  - 5- چه رابطه‌ای بین دیگر جنبش‌های اجتماعی با جنبش مستقل و طبقاتی کارگران وجود دارد؟
  - 6- آلترناتیو انقلابی در جامعه‌ی ایران چیست و رابطه‌ی مطالبات حداقلی کارگران با این آلترناتیو چگونه است؟.....
- با دریافت دعوتنامه زیر تصور ما بر این بود که مجامع سیاسی پیرامون منشور حداقلی و ... اعلام نظر خواهند کرد .

### از قیام تا قیام

#### کنفرانس احزاب و سازمانهای کمونیست و چپ ایران درباره تحولات جاری

در روزهای پایانی سال 88 کنفرانسی باحضور نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی پیرامون ماهیت و سمت و سوی جنبش‌های اجتماعی اخیر در ایران و چشم انداز تحولات آینده و وظایف ما، برگزار میگردد. از شما دعوت میکنیم در این سمینار حضور بهم رسانیده و در مباحث آن فعالانه شرکت کنید. نمایندگان رهبری احزاب و سازمانهای زیر در این نشست سخنرانی خواهند کرد و وقت معینی نیز برای اعلام نظرات شرکت کنندگان در جلسه و پرسش و پاسخ در نظر گرفته شده است.

راه کارگر ( کمیته مرکزی ) - حزب کمونیست ایران - اتحاد فدائیان کمونیست - فدائیان اقلیت - هسته اقلیت

7 مارس 2010

گزارش پایانی کنفرانس نشان میداد که تصور ما تصور نادرستی بود و چپ ایران کماکان مصمم است که قله ائی بیش از سردماغ خود را نبیند:

#### گزارش پایانی کنفرانس احزاب و سازمانهای کونیست و چپ ایران

##### در باره تحولات جاری

کنفرانس به دعوت سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و با شرکت نمایندگان حزب کمونیست ایران، اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان فدائیان اقلیت، راه کارگر (کمیته مرکزی) و هسته اقلیت به عنوان سخنرانان و شماری از فعالین سیاسی که به

طور حضوری و یا از طریق پالتالک کنفرانس را دنبال می‌کردند در روز ۲۲ اسفند ۱۳۸۸ در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد.

این کنفرانس که با عنوان «از قیام تا قیام» در محیطی صمیمی و سرشار از احساس مسئولیت به بررسی نقش جنبش کمونیستی و چپ در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در طی سه دهه گذشته پرداخت و با برشماری نقاط ضعف و قوت جنبش کمونیستی ایران بر لزوم تمرکز روی ملزومات انقلاب در ایران پای فشرد.

در بخش آغازین کنفرانس نمایندگان رهبری احزاب دعوت شده به بیان نظر خود در مورد موضوعات مورد بحث پرداخته و سپس حاضرین در کنفرانس چه به شکل حضوری و چه از طریق پالتالک به طرح سئوالات خود و اظهار نظر پیرامون مواضع اعلام شده پرداختند و با سخنرانان به بحث نشستند.

پاره‌ای از نکاتی که در طی بحثها مورد تأکید و تأیید عمومی قرار گرفتند را می‌توان به این شرح جمع‌بندی کرد:

۱- طیف نیروهای چپ و کمونیست ایران از حوزه سازمانهای دعوت شده به نشست فراتر است و علاوه بر سازمانها و احزاب شامل نهادهای سوسیالیستی و کارگری در داخل ایران و نیز شخصیت‌های منفرد نیز هست که در این تبادل نظر می‌باید مشارکت داده شوند.

۲- علنیت در مباحثات سیاسی و نظری از ملزومات تأمین امکان مشارکت همگانی در این مباحث می‌باشد.

۳- جنبش کمونیستی و چپ ایران اگرچه در عمل به استراتژی معینی در رابطه با موج سبز رسیده است اما در زمینه افشای برنامه رهبران جناح سبز رژیم و ترویج استراتژی معین خود نسبت به موج اعتراضات در داخل نارسایی‌هایی وجود دارد که می‌توان با مشارکت عمومی چپ بر این نارسایی‌ها فایز شد.

۴- لزوم حمایت جنبش کارگری و انقلابی از مبارزات آزادیخواهانه در جنبش زنان و دانشجویان و ملیت‌های تحت ستم و مبارزات انقلابی در کردستان.

۵- لزوم سازماندهی سمینارهایی از این دست که بتوان در طی آن پیرامون چگونگی پیشبرد امر مبارزاتی با یکدیگر به تبادل نظر نشست و راه اتحاد عمل و همکاری‌های بیشتر را هموار نمود.

لازم به تأکید است که مباحث ارائه شده در نشست صدا و فیلم‌برداری شده‌اند و آرشیو صوتی آن از طریق سایت‌های مختلف از جمله سازمان اتحاد فدائیان کمونیست قابل تهیه است و گزارش تصویری آن نیز از طریق سازمان راه کارگر و حزب کمونیست ایران قابل رنویت می‌باشد.

شرکت کنندگان در مجموع کنفرانس را مثبت ارزیابی کردند و خواهان استمرار چنین کنفرانسهایی با مشارکت طیف وسیعتری از گرایش‌های کمونیستی و چپ در کنفرانسهای آتی شدند.

23 اسفند ماه 1388 / 13.03.2010

#### سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

نه ! تعجب آور نبود ! کنفرانس مشترک از "قیام تا قیام" بروشنی نشان میداد که متحدین در فاصله پس از قیام بهمین تا قیام فردا، فرصت آموزش را، خود بهر دلیل از خود سلب نموده اند و در انتظار معجزه قیام دیگری، روز شماری که نه ، سال شماری میکنند!

بااستقبال واعلام آمادگی جمعی از فعالین کارگری ، ساده انگارانه این بود که : شاید سایر مجامع و محافل دیگری که به این مهم پرداخته اند ، با توجه به مکتوباتشان ،امکانات وقتی و مادی شان اجازه نمی دهد که آنرا تدارک ببینند! ما این امکان را سراغ داشتیم و بکار گرفتیم .

تصور ما بر این بود که فراخوان پیشنهادی برای برگزاری یک سمینار سراسری با توجه به تکامل جنبش کارگری و عمومی در ایران ، با استقبال اکثریت نیروی آگاه این بخش از فعالین منفرد و متشکل در داخل و خارج مواجه

خواهد شد و با همکاری جدی و واقعی آنان در تدارک یک سمینار سراسری، فرصت تاریخی ائی برای تبادلات رفیقانه و اعلام همبستگی مشترک با نیروهای سازمان یافته کارگری بدست خواهیم آورد و بدین سان با احتمال اگر نه یک اتحاد عمل خلق الساعه، بلکه با ایجاد یک سقف فرهنگی - سیاسی مشترک برای تبادلات تئوریک - سیاسی، نقش آگاهانه ائی در مبارزه جاری و ... پیدا خواهیم کردو با توجه به حیات بالنده جنبش کارگری در ایران، مبارزه تئوریک - سیاسی بین این بخش از عناصر آگاه کارگری، با شرکت با شهامت کارگران آگاه ایران، مفهومی طبقاتی خواهد یافت.

استقبال آگاهانه و اعلام آمادگی و حضور گسترده همکاران ما از ایران در این سمینار با توجه به خطرات جدی که آنان را تهدید میکرد و میکند، شوقی آگاهانه و اعتمادی رفیقانه در وجودمان ایجاد نمود که گذشته نه چندان دور را از خاطرماتن ربود.

انسان که ماشین نیست، می تواند بیاموزد و بیاندیشد و آنرا به صحنه عمل بکشاند!

**نمونه های زیر پاسخ های رفیقانه ائی است که طرح آنان، می تواند دلالت این عدم حضور را مطرح کند.**

**رفیقی می نویسد:**

..... بر اساس تجربه، موفقیت برگزاری چنین برنامه هایی بدون هماهنگی با محافلی که در این زمینه ها کار میکنند و فقط با دعوت از افراد ممکن نخواهد بود. بدین جهت اگر میخواهید برنامه موفقی داشته باشید بایستی پیشاپیش با برخی محافل در ارتباط قرار بگیرید، نظیر کانون های همبستگی کارگری در دفاع از مبارزات طبقه کارگر ایران که در شهرهای مختلف آلمان وجود دارند. طی یک پروسه ای از همکاری ها این چنین برنامه هایی ممکن خواهد شد. در غیر این صورت متاسفانه با صرف این همه نیرو نتیجه مثبتی که نخواهید گرفت بلکه به یاس میان فعالین شما نیز دامن خواهد زد.

و رفیق دیگری از جنبش شکست نخوردگان می نویسد:

..... به نظر من اشکال کار شما در این است که فرض گرفته اید که هر کسی را که بصورت تشکیلاتی کار نمی کند می توانید حول دفاع از مبارزات کارگران در ایران متحد کنید و یا حداقل به یک گردهمایی فراخوان دهید. اما واقعیت در دنیای واقعی چیز دیگری است. شما بایستی به اندازه کافی تجربه داشته باشید که پشت هر حرکتی یک کوه کار تشکیلاتی خوابیده است. بدون حزبیت و تشکیلات سیاسی، عملاً و همانجوریکه خود تجربه کردید نمی توان حتی یک بحث حول خواسته ها را سازمان داد. به نظر من اگر در این سازمان دادن امیدی به موفقیت باشد اینست که با سازمانهای مختلف سیاسی چپ و همچنین تشکیلاتی که در رابطه با آنها یا مستقل کار می کنند تماس گرفته و این ایده را در میان بگذارید. سپس از سخنرانیهایی را از این سازمانها انتخاب کرده و بعد اعلام کنید که برای تکمیل این سمینار به سخنرانان جدید نیاز دارید. آنوقت است که قادر خواهید بود که یک سمینار تشکیل داده و حول حمایت از خواسته های کارگران تصمیم بگیرید که چه کار می توان کرد. شما با دور زدن تشکلات موجود همانطوریکه که خود تجربه کردید قادر نشدید و نخواهید بود تشکیلی جدید و یا گردهمایی شکل بدهید. اگر این فعالین مستقل می توانستند تا بحال و بعد از 11 ماه مبارزه خیابانی در ایران حتماً به یک تشکیلی دست یافته بودند. تلاش شما به همین دلیل بی نتیجه می ماند. امیدوارم بتوانید در حمایت از خواسته ها و مبارزات کارگران در ایران قدمی بجلو بردارید. پیروز باشید. جنبش شکست نخوردگان

**رفیق دیگری می نویسد:**

..... روشن است که از برخی حقایق متأثر شدم. البته این را هم بگویم که این اوضاع برای من با توجه به شناختی که از این مجموعه معروف به «فعالین کارگری» در خارج داشتم چندان هم دور از انتظار نبود. گر چه نه به این ابعادش. اگر دقت کرده باشی از همان آغاز هم این نگرانی را با تو در میان گذاشتم که اگر پای تشکلهای داخل به میان بیاید و

در اینجا استقبال نشود این ضربه ای است به کار همبستگی. به هر صورت این تجربه باید یک بار دیگر نشان داده باشد که صرفاً با نیات خوب نمی شود کار را جلو برد. اوضاع متأسفانه مثل سی سال قبل نیست که صداقت افراد کوه را تکان می داد. الان همه به نوعی مار خورده اند و افعی شده اند. هر کس هم به صف و صف بندی نگاه می کند و هیچ کس حاضر نیست که ذره ای از منافع گروه یا کمیته 2 نفره خود کوتاه بیاید و در کاری شرکت کند که خودش سازمانش نداده است. همه فکر خواهند کرد که با این کار «رهبری» از دستشان خارج می شود. نپرس رهبری چه چیزی. رهبری توهمات خودشان.

آنچه که آن بابا در نامه اش نوشت همین حقیقت تلخ را بیان می کند. حرفش راست و روشن این است که اول باید کدخدای ده را ببینی تا بعد بتونی مجلسی برقرار کنی. همه این کمیته هایی که ایشان به آنها اشاره می کند کدخداهای ده هستند. این یک لشکر کوچولو است که همه هم در آن فرمانده هستند. به هر رو، ...امیدوارم در اولین فرصت دیدار و گپی درباره اوضاع داشته باشیم و به این هم فکر کنیم که چکار باید کرد .....؟  
و نامه زیر به امضای چند نفر از فعالین کارگری با توجه به ربط داشتن به موضوع آمده است:

## نامه شماره ۲ : درباره سیاست مستقل طبقه کارگر

رفقای جبهه واحد کارگری

این مطلب توسط ما که چند نفر از فعالین کارگری هستیم و نسبت به برنامه ها ، بحث و گفتگوها در رابطه با روز جهانی کارگر 1389 که از طریق ایمیل بین تشکل های کارگری و فعالین در جریان بود اشراف کامل داشتیم و در نهایت با خون جگر خوردن عدم برنامه ریزی دقیق و انجام نگرفتن کار عملی را تحمل کردیم . برای اینکه بتوانیم بخشی از مشکلات و موانعی که از نزدیک شاهد آن بودیم رو به جنبش کارگری بیان کنیم این مطلب را تهیه کردیم . با توجه به کارهای اطلاع رسانی که از شما رفقا، در دنیای واقعی دیده ایم تصمیم گرفتیم این مطلب را جهت چاپ، انتشار و توزیع برای شما ارسال کنیم البته پر واضح است که پس از انتشار توسط شما ما خود نیز در توزیع آن بین کارگران بصورت فعال عمل خواهیم کرد . در صورتی که نشر این مطلب برای شما ممکن نیست هر چه سریعتر اعلام کنید. تذکر: برای جلو گیری از پراکندگی و تفرقه میان طبقه کارگر ما گروه مستقل و دارای نام رسمی نیستیم و به دنبال ساختن تشکل های جدید نیز نمی باشیم. با درود های رفیقانه

....." اخیراً پیرو تولید ، گسترش و پرورش سندیکا و اتحادیه های زرد ( " مستقل" و " آزاد" )، سرمایه داری تلاش دارد از کانال چپ نمایان " شوراهای " زرد را نیز ساخته به عنوان وسیله جدیدی برای گسترش نفاق مورد استفاده قرار دهد.....

اما وقتی با دقت این " شورا " ، " اتحادیه " و " سندیکاها" را بررسی می کنیم به این نتیجه می رسیم که میان آنها با کانون و کمیته های موجود ذره ای تفاوت وجود ندارد. اعضای کمیته ها چندان ارتباط بدرد بخوری با بدنه کارگری ندارند و....

متن اصلی نامه در نشریه زیر آمده است که بدینوسیله از خوانندگان این مطلب تقاضا میشود که حتماً آنرا بخوانند!

انقلاب سرخ شماره 7- ارگان جبهه واحد کارگری

<http://jk1389.persianguig.com/shomare7.pdf>

ضمن تشکر و قدردانی از اعلام نظر و راهنمایی رفقا ئی از مجامع و محافل سیاسی و کارگری باید به ساده نگری خوداز مناسبات حاکم بر سازمانها و محافل کارگری در خارج اعتراف کنیم .

در پروسه تدارکات سمینار و ارتباط با عناصر و محافل... و ارزیابی مکاتبات و برخوردها و انتقادات این مجامع و محافل به هم، میتوان چهار گرایش را مشاهده کرد که اگر گرایش دیگری هم وجود داشته باشد دلیل عدم دستیابی به نظراتشان مورد شناخت نیست. این گرایشات علیرغم اختلافات اساسی در نگرششان به جنبش کارگری و به هم، که عمدتاً به نسبت آگاهی آنان برمیگردد، اما در نظر و عملکردشان، فرهنگ مشترکی را دچارش هستند:

رقابت با نفی همدیگر، اعمال هژمونی با نفی و حذف همدیگر، توهم به رهبری، پیشاهنگی و پیشکسوتی و آگاهی خود با نفی همدیگر و عبارتی دامن زدن آگاهانه (ناآگاهانه) به افتراق و انشقاق و به سهم خود، دادن فرصت تداوم جنایات جاری در ایران به نظام حاکم!

بدون تردید این گسست و خودداری از آموزش و اقدام آگاهانه توسط این نیروها، ضربات عمیقی بر مجامع و محافلشان زده و خواهد زد. این کافی نیست که مجامعی، محافلی،... خود را با نام انقلابی و سوسیالیستی و... کارگری، آرایش دهند. مهم این است که دیگران؛ چپ و راست، دوست و دشمن، علیرغم اختلافاتشان، آنرا تأیید کنند.

و این شکست یعنی شکست توهم نیروی کوچکی از آن رفقا در خارج از کشور در تدارک عملی تبادلات انتقال تجارب و این مناسبات مسکوت گذارده تاکنونی، شاید به دلیل ضعف هائی که دچارش هستیم برمجامع کوچکی مثل ما، بر اعتماد و باورهایشان به کار مشترک با سایر عناصر فعال کارگری لطمه زده و بزند و شاید چند صباحی از ادامه منطقی پیگیری ضرورتهایی که می شناخته اند بازشان بدارد- همانطوریکه بازداشت - اما همیشه گی نیست. احتیاج مادر اختراع است و انسان اگر بخواهد می تواند بیآموزد!

رفقا، انسانهای آگاه

...در طی سالها اقامت و فعالیت در آلمان، لافل چندتن را رفیق خطاب کرده ایم و میکنیم و در همین مدت با انسانهایی روبرو شده ایم که در تبادلات و گفتگوهای خود، تصویر آگاهانه ائی از خود در ذهنمان باقی گذارده اند و اگر خود مدعی آگاهی نبودند، نظراتشان، نوشتارشان و... و بلاخص عملکرد و زندگیشان نشان میدهد که آگاه اند و همچنین همه مدعیان دانش مبارزه طبقاتی، آگاهی سوسیالیستی و کمونیستی و کارگری، که شناختی از آنان نداریم، روی سخنمان با شما رفقا و انسانهای آگاه است.

آیا سرنگونی نظام فاشیستی حاکم و برقراری نظامی متکی بر ایجاد و گسترش آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و تمامی حقوق جهانی انسانی که در این خلاصه نمی گنجد، بدون سازماندهی یک جبهه واحد کارگری و حضور آگاهانه و سازمانیافته اکثریت کارگران در آن حضور آگاهانه و سازمانیافته اقشار متفاوت زحمتکش شهر و روستا؛ معلمان، زنان، دانشجویان،...، تحقق پذیر است؟

آیا تشکیل هزاران تشکل کارگری و... با هر نامی که خود بر خود میگذارند و اتحاد عمل اینان برای نجات جامعه از چنگال فاشیسم یک ضرورت تاریخی نیست؟

آیا ما و شما، هریک از ما یک تشکل کارگری (با هر پسوند و پیشوندی) تلقی نمی شویم؟

آیا اتحاد عمل آگاهانه ما یعنی شرکت مسئولانه، مداخله گرانه، در سازماندهی یک سقف مشترک، برای شرکت آگاهانه در هماهنگی و همگامی با جنبش طبقاتی کارگری در ایران و... یک ضرورت تاریخی نیست؟ اگر نیست و شهامت و جسارت دارید، لطفا استدلال بکنید و بروید و برویم در جایگاه واقعی خود بایستید و بایستیم و نان خود بخورید و بخوریم و انتظار روزهای خوش را در سایه مهربانی امپریالیسم بکشید و بکشیم. این بزرگترین خدمتی است که میتوانیم به سهم خود در خدمت نجات جامعه از چنگال فاشیسم جعل و جهل و به تکامل یک جامعه طبقاتی بکنیم.

و اگر هست چه باید کرد؟

چگونه میتوانیم به آن پاسخ عملی بدهیم؟

با طرح این نکات و سئوالات که به نظر ما ضرورت دارد که شما هم بدانید، تلاش تاکنونی ما نه دور زدن سازمانها و محافل... و نه قصد نادیده گرفتن مجامع کارگری و نه حذف سایر انسانهای آگاه از حضور دخالتگرانه در مناسبات طبقاتی است و نه میتواند باشد و نه حتی نفی اثوریت کاذب برخی از این مجامع و سازمانها و زیر سئوال بردن رهبری توهماتشان. چرا که باور داریم که هر انسانی میتواند بیآموزد و اگر آموخت دچار توهم و خیال نخواهد بود. بنابراین حضور آگاهانه تمام گرایشها و هر چند کمزنگ علاقمندان آگاه نیز در پاسخگوئی به شرایط و موقعیت موجود و... سئوالات فوق لازم و ضروری است. و این آغاز کار مشترک است. هر انسانی میتواند و میباید بیآموزد و آموزش دهندگان خود میباید که بیآموزند.

## تحولات پایه ائی در ایران!

سیر تحولات 31 ساله و بلاخص شش ساله گذشته در قدرت سیاسی و یکساله گذشته در مناسبات طبقات ، تاثیر و نقش آن در اعتراضات عمومی و انسجام آگاهانه نیروهای سازمان یافته کارگری، منجر به صدور قطعنامه های جنبش های واقعی ؛ کارگران ، بیکاران ، معلمان ، زنان ، دانشجویان و منشور مطالبات حداقلی کارگران با توجه به مطالبات طبقه کارگر در انقلاب 21 بهمن ماه 57 گردید. این منشور با شناخت از نیازهای جامعه و جنبش های اجتماعی اش ، وظایفی را برای نیروهای آگاهش تعیین میکرد و میکند که در هر کجائی که هستند با آگاهی از آن میتوانند و میتوانند با پاسخ آگاهانه به آن ، از واکنش رفت و آمد آن در درون و بیرون ، به شفاف سازی خود و منافع آن در مخاطبانانشان بپردازند و این نقطه اتکای با قدرتی بود و است که به عملکرد این مجامع، حیاتی طبقاتی میداد و اگر در این راستا قرار داشته باشند، بدون تردید میتواند که بدهد.

به نظر ما با صدور منشور حداقلی مطالبات و در پی آن قطعنامه اول ماه مه کارگران ایران ، تکلیف همه گونه محافل و سازمانها و احزاب منتسب به طبقه کارگر روشن است.

کارگران در این منشور مطالباتی به اتکای حضور و تاثیر خود در جنبش عمومی ، بدون قید و شرط برای دولت فاشیستی ایران ، تعیین تکلیف سیاسی و ... کرده اند!

فکر میکنید که امضاء کنندگان این اسناد موقعییت و شرایط حاکم بر خود و جامعه را نمی شناسند؟ بدون تردید فکر میکنیم که میشناسند . با این شناخت است که جنبش کارگری دانسته وظیفه دموکراتیزه کردن مناسبات طبقاتی را بعهد گرفته است و اگر هم نادانسته ، از اقدامات خود میآموزد و برای نجات خود و جامعه چاره ائی جزء پیشبرد منشور مشترک خود ندارد .

فکر میکنیم که مطالبات کارگران ایران نه از زاویه انقلاب و انقلابیگری که اگر می بود مباحث ما مفهوم و مضمونی دیگری داشت، بلکه این نیاز و ضرورت حیاتی این جنبش و نه فقط این جنبش ، بلکه نیازهای جنبش های واقعی زنان ، بیکاران ، معلمان ، دانشجویان است که او را با ویژه گیهای شاید ناشناخته شده برای اکثریت تشکیل دهنده اش ، به حضور دخالتگرانه سیاسی میکشد و مطالبات خود و اکثریت .....جامعه را در حداقل ممکن برای یک زندگی انسانی برای همه، تدوین و رسماً اعلام نموده است و آنرا بدون قید و شرط میخواهد :

- برسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع، آزادی بیان، مطبوعات و تحزب

2- لغو فوری مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی از زندان

.....

با این تعاریف ساده فکر میکنیم که سازمانها و محافل... در خارج از کشور، برای ادامه منطقی زندگی اجتماعی خود، چاره ائی غیر از تعیین تکلیف باخود و ادعاهای خود ندارند:

یا این محافل خود را بخشی از نیروی جنبش کارگری داخل میشناسند که در این صورت همانگونه که سازمانیابی جنبش کارگری در ایران ضرورت دارد، میبایستی در هر کجائی که هستند و با توجه به امکانات ارتباطی که در اختیار دارند ، به این ضرورت پاسخ دهند و به اقدام مشترک بکشانند .

فکر میکنیم میبایستی با پذیرش حداقلی های مورد تأیید نیروهای متشکل داخلی ، در پروسه شکل دادن به نقش خود در جگونگی به عمل کشاندن مطالبات ، نکات اصولی را که می پندارند درست است با ایجاد یک سقف فرهنگی - سیاسی و در زیر آن به تبادل جمعی برسانند و... و در اختیار آگاهی سایر همزمان قرار دهند و از نتایج آن خود و همگان بیاموزند و بکار برند.

و یا خود را سازمان و تشکیلاتی کمونیستی و سوسیالیستی و... و محافل کارگری مستقل از طبقه ، بمثابه سایر احزاب و سازمانهای مدعی "چپ" میشناسند و بدیهی است که می توانند باشند در این صورت نیز با آموزش از تاریخ مبارزه طبقاتی ، نیروئی در مقابل شکل های مستقل کارگری نمی توانند و نباید باشند و چاره ائی جزء همگامی و همراهی و در صورت توانائی ارتقاء آن ندارند.

**و در غیر این دو صورت ، سرنوشتی جدا از مجامع و محافل گذشته شان ندارند: انحلال و انحطاط و...**

شاید بدایلی که رفقا اشاره کرده اند ، عملکرد ما در گروه کار تدارکات غلط بود. اما مسائل و مسئولیتهای مورد شناخت در شرایط و موقعیت جاری به قوت و قدرت خود باقی مانده است.

بر این باوریم که چاره ائی جزء کسب آگاهی و سرعت بخشیدن به روند و گسترش آن در مناسبات طبقاتی جاری باقی نمانده است. هر نیروی متشکل و مدعی آگاهی و دانش مبارزه طبقاتی بجای پس انداز کردن آن ، بجای خرید و فروش کردن آن...، باید به پخش آگاهانه آن بپردازد .

با بربریت متمدنانه حاکم برجها ، اشغال سرزمینها و نسل کشی ها و استثمار وحشیانه کارگران ،... و با شرایط حاکم در ایران ، با رودر روئی اجتناب ناپذیر جنبش کارگری و سایر جنبشها و جنبش مشترکشان ، با گروگانگیری فعالین کارگری ، زنان ، دانشجویان ، بیکاران ، معلمان ،... با تهدید و ضرب و شتم اعضای خانواده های آنان و نشان دادن چهره وحشی و درنده تر از خود برای ترساندن عمومی، با سرکوب و ترور شرکت کنندگان در جنبش های طبقاتی و اجتماعی ، با بیکارسازی برنامه ریزی شده و گسترش بی امیدی و... و انحراف در گسترده ترین بخش جامعه جوان ایران ، ... ، بر هیچیک از رفقا و آگاهان در خارج از کشور پنهان نیست که ادامه این شرایط و بقای نظام، تنها با سرکوب بی وقفه و جلوگیری از انسجام و سازماندهی مشترک درونی جنبش های واقعی و عدم انسجام و اتحاد عمل عناصر و نیروهای متعلق به جنبش کارگری در خارج از کشور، میسر است. این شرایط و موقعیت باید تغییر یابد!

بدینوسیله همه رفقا ی محترمی را که با پشتیبانی از اصول و همچنین با توصیه های خود ما را روشن نموده اند و همینطور سایر مجامع و محافل سیاسی و کارگری را که در راستای دفاع از جنبش کارگری تلاش میکنند را برای پاسخ دهی به تاریخ تحولات مبارزه طبقاتی در ایران فرامیخوانیم و تلاش شما را در تدارک پاسخ مشترک و آگاهانه به " چه باید کرد ؟ " ارج میگذاریم و آمادگی خود را برای شرکت در تدارکات آن اعلام میکنیم .

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

**زندان ، شکنجه ... اعدام ملغی باید گردد!**

**مقاوم و مستمر باد جنبش طبقاتی کارگران و زحمتکشان در برقراری آزادی ، عدالت ، امنیت**

**و رهائی انسان از بندهای استبداد و استثمار و سرمایه!**

**بر افراشته باد پرچم آگاهی و آزادی!**

**نابود باد سایه خوفناک، جنگ، ارتجاع، فاشیسم و سرمایه از ایران و جهان!**

از طرف گروه کار تدارکات سمینار ارزیابی منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران ( فرآخوان ماه می 2010 )

.. جهان و - 03.08.2010

Verein für politische Flüchtlinge  
Scharnhorststr. 57 48151 Münster

[vfpf@gmx.net](mailto:vfpf@gmx.net)

<http://www.farhang-enghelab.com/>